

سخنرانی سردبیر فصلنامه تحقیقی مطالعاتی آران در «سمینار بین المللی جمهوری آذربایجان: تجارب پیشین، چشم...»

«روابط ایران و جمهوری آذربایجان: موانع و راهکارها»

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران

اشاء:

روز یکشنبه 28 شهریورماه؛ سمینار بین المللی جمهوری آذربایجان: تجارب پیشین & چشم انداز فرارو» به همت بنیاد مطالعات قفقاز دانشگاه تهران و مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار گردید که معاون رئیس جمهوری اسلامی ایران در امور مجلس؛ سخنران نشست افتتاحیه و معاون آموزش و پژوهش وزیر امور خارجه سخنران نشست اختتامیه این سمینار بین المللی بودند و سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو و سفیر جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران و نیز سفرای پیشین ایران در باکو به همراه جمعی از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مسائل قفقاز از ایران، جمهوری آذربایجان و برخی کشورهای دیگر از جمله سخنرانان این سمینار بودند که به بیان دیدگاههای خود پرداختند. مهندس حسن گلی، سردبیر فصلنامه تحقیقی & مطالعاتی آران نیز بعنوان یکی از سخنرانان اولین نشست این سمینار، مقاله خود با عنوان «روابط ایران و جمهوری آذربایجان: موانع و راهکارها» را به صورت سخنرانی ارائه نمود که متن کامل آن تقدیم می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید درکنج حکيم

همه عالم تن است و ایران دل نیست گوینده زین قیاس خجل

چونکه ایران دل زمین باشد دل زتن به بود یقین باشد

آغاز سخن را ابیاتی از شاعر بزرگ؛ نظامی گنجوی قرار دادم تا به نقش ارزنده ای که این شاعر می تواند در همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان داشته باشد اشاره ای شده باشد. شایسته است از دیگر شاعر پیراوازه ایران زمین؛ شاعر اهل بیت، سید محمد حسین بهجت تبریزی، شهریار عزیز که دیروز (27 شهریور) روز بزرگداشت ایشان بود نیز یاد می نمود و با الهام از ایشان و از زبان این شاعر ارزشمند خطاب به میهمانان عزیزی که از جمهوری آذربایجان و سایر مناطق قفقاز تشریف آورده اند چنین عرض نمایم: «ایگیلت لر یوردو قفقازیم سنه مندن سلام اولسون».

موضوع سخن، «روابط ایران و جمهوری آذربایجان، موانع و راهکارهاست» در خصوص روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان شاهد تلاشهای دیپلماتیک دولت ها و تمایل اساسی مردم دو کشور جهت گسترش روابط همه جانبه هستیم، اما امروز که حدود 20 سال از استقلال جمهوری آذربایجان و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی ایران می گذرد سطح روابط دو کشور حدود پانصد میلیون دلار اعلام می گردد که با توجه به اشتراکات همه جانبه ایران و آذربایجان و نیز در مقایسه با روابط هر یک از دو کشور با کشورهای دیگر، بیانگر پائین بودن سطح مناسبات می باشد. این موضوع قبل از هر چیزی بیانگر وجود برخی موانع در مسیر تعمیق و گسترش روابط است که به نظر می رسد یکی از موانع اساسی در این خصوص؛ به نوع نگاه دو کشور به تاریخ ایران و قفقاز بر می گردد.

در جمهوری آذربایجان آنچه به عنوان پیشینه این کشور در کتب درسی و سایر منابع مطالعاتی ارائه می شود، این است که در طول تاریخ، خان نشین های مستقلی در شمال و جنوب رود ارس که آذربایجان نامیده می شد حکومت می کردند که ایران و روسیه پس از سالها جنگ جهت تصاحب این منطقه بالاخره به موجب قرار دادهای گلستان و ترکمنچای؛ آذربایجان را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم نمودند که قسمت شمالی را روسیه و قسمت جنوبی را ایران تصاحب نمود که در حال حاضر قسمت شمالی به استقلال رسیده ولی قسمت جنوبی همچنان در اختیار ایران است؛ لذا برخی اقدامات و اظهارات ناخوشایندی که در ارتباط با ایران در جمهوری آذربایجان صورت می گیرد زائیده همین نوع نگرش آنها به تاریخ است.

از جمله رفتارهای صورت گرفته در جمهوری آذربایجان که خواه ناخواه در پائین ماندن سطح روابط دو کشور نقش داشته است می توان به مواردی مانند وجود برخی مطالب غیر واقع در مورد تاریخ و شخصیت های ایرانی مانند شیخ محمد خیابانی، ستارخان و باقرخان و... در کتب درسی جمهوری آذربایجان اشاره نمود. در حالی که فردی مانند ستارخان در پاسخ به درخواست کنسول روس مبنی بر پناهنده شدن به کنسولگری روسیه اظهار می دارد که «من در زیر بیدق جناب ابوالفضل العباس علیه السلام و بیدق ایرانم، بیدق شما به من لازم نیست، و من ابداً تابع ظلم و استبداد نخواهم شد» ولی همین شخصیت ایرانی در کتب گفته شده مثل کتاب درسی آتا یوردو؛ به عنوان فردی ضد ایرانی که برای جدایی آذربایجان از ایران تلاش می نمود معرفی می گردد. از دیگر نتایج این نوع نگاه جمهوری آذربایجان به تاریخ می توان به اظهار نظرهای گاه و بیگاه آنان در خصوص مردم مناطق آذری نشین ایران، وجود جریان ضد ایرانی در بین نشریات و رسانه های این کشور، تاسیس و حمایت از برخی تشکلهای ضد ایرانی، چاپ اطلس تاریخی غیر واقعی و... اشاره نمود.

در مقابل نگاه فوق به تاریخ ایران و قفقاز؛ در ایران بر پایه صدها کتاب تاریخی و جغرافیایی اعتقاد بر این است که تا زمان انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای جنوب ارس با نام آذربایجان و شمال ارس با عناوینی مانند آلبانیا، آران و بعدها هر محدوده ای با نام خاصی مثل بادکوبه و... بخشی از ایران محسوب می گردید که در نتیجه طمع ورزی روسها و زمینه چینی انگلیسیها و پس از سالها جنگ بین ایران و روس مناطق شمال ارس (قفقاز) از ایران جدا گردید و علیرغم قیامهای ضد روسی مانند قیام امام شامیل و... این جدایی تثبیت شد تا اینکه در سال 1918 محمد امین رسول زاده در بخشی از قفقاز که سابقاً آلبانیا و آران نامیده می شد دولت مستقلی تاسیس نمود و با تحریک امپراتوری عثمانی آن زمان، دولت تاسیسی خود را جمهوری دموکراتیک آذربایجان نامید که این موضوع اعتراض شدید ایرانیان را برانگیخت و حتی افرادی مانند شیخ محمد خیابانی برای جلوگیری از تحریف تاریخ پیشنهاد دادند تا عنوان آذربایجان تاریخی به آزادستان تغییر یابد تا جریان تحریف تاریخ ایجاد نگردد. پس از تاسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان، بحث آذربایجان جنوبی و شمالی که تا آن زمان موضوعیت نداشت مطرح گردید و در اوایل امپراتوری عثمانی و بعدها اتحاد جماهیر شوروی تلاش نمودند از این موضوع استفاده نمایند که نمونه تلاشهای فوق را می توان در جریان فرقه دموکرات به سال 1324 مشاهده نمود. (لازم به توضیح است که برخی پژوهشگران ایرانی علیرغم اعتقاد به مالکیت ایران بر قفقاز تا زمان انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای و نیز با اذعان به اینکه نام تاریخی مناطق شمال ارس آلبانیا و آران بوده است براین باورند که عنوان آذربایجان هرچند به صورت غیر رسمی، قبل از سال 1918 نیز به این مناطق اطلاق شده است).

پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991، جمهوری اسلامی ایران از اولین کشورهایی بود که استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت ولی اقدامات ضد ایرانی از همان آغاز در این کشور شروع گردید که نمونه آن اقدامات جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ائلچی بیگ بود که به گفته سفیر پیشین جمهوری آذربایجان در ایران، اقداماتی تخریب کننده و خام بود که از سوی بیگانگان خط دهی می گردید.

طبیعی است که دولت و مردم ایران بر مبنای نگاه مستندی که به تاریخ دارند اولاً از نوع نگاه جمهوری آذربایجان به تاریخ منطقه و مهمتر از آن از برخی اقدامات ضد ایرانی ناشی از نگاه فوق ناراضی باشند که این موضوع در کنار عواملی مانند خواست برخی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در جهت جلوگیری از تعمیق روابط دو کشور همسایه - که به عنوان مهمترین کشورهای شیعی دنیا شناخته می شوند- را می توان از موانع موجود بر سر راه گسترش روابط فیما بین دانست.

نکته ای که در اینجا بایستی مورد توجه قرار داد اینکه همانگونه که در گذشته دولتهای خارجی مانند امپراتوری عثمانی، انگلیس، اتحاد جماهیر شوروی در پیدایش و تثبیت انحراف در نوع نگاه به تاریخ منطقه نقش ایفا نموده اند در حال حاضر نیز قدرتهای فرامنطقه ای به ویژه رژیم صهیونیستی با نهایت سوء استفاده از این موضوع در جهت ایجاد و عمق بخشی به نگاه منفی رسانه ها، احزاب سیاسی و تشکلهای اجتماعی نسبت به ایران تلاش می نمایند.

حال چه بایستی کرد؟ برای حل مانع پیش گفته دو مسیر به ذهن متبادر می گردد، اول اینکه، چنانچه برخی کارشناسان اظهار می نمایند، در مناسبات خود، مسائل تاریخی را مطرح نموده و روابط خود را بر پایه سایر علق مشترک بنیان نهیم که به نظر می رسد این موضوع اگر از لحاظ تئوری هم قابل بیان باشد در مرحله عمل غیر قابل تحقق است چرا که اولاً همه اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و... به هم پیوسته بوده و قابل انفکاک نیستند و علاوه بر آن، تفاوت دیدگاه در مسائل تاریخی همچون ابزار کارآمدی در اختیار بد خواهان مردم دو کشور می باشد، ضمن اینکه تاریخ در جمهوری آذربایجان اساس همه تصمیم گیریها را تشکیل می دهد.

به نظر می رسد بهترین راه حل موضوع؛ تشکیل کمیته ای علمی با حضور اساتید تاریخ دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان و نیز اساتید تاریخ و علوم سیاسی بی طرف از کشورها یا سازمانهای مرتبطی می باشد تا تاریخ منطقه را مورد بررسی قرار دهند، مستندات طرفین را بررسی نمایند تا دو طرف سرانجام به درک مشترکی از تاریخ منطقه برسند و دولتها نیز موظف باشند آن را به عنوان تاریخ مشترک، مبنای تعاملات و تصمیم گیریهای خویش قرار دهند.

طبیعی است که مورخین و اساتید هر دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در صورت تشکیل چنین کمیته ای، ضمن ارائه دیدگاه خود، مستندات آن را نیز ارائه نموده و موضوعات مختلفی را جهت بررسی پیشنهاد خواهند نمود که در همین راستا موارد ذیل به عنوان پیشنهاد اولیه جهت کنگاش در چنین کمیته ای ارائه می گردد:

1- بررسی کتابهای تاریخی مانند البلدان، نزهه القلوب، فتوح البلدان، احسن التقاسیم فی معرفه القالیم، آثار البلاد و اخبار العباد، مسالک و ممالک، حدود العالم من المشرق الی المغرب، سفرنامه ابن حوقل ایران در صور الاراض، معجم البلدان و... که هر کدام ضمن معرفی مناطق شمال ارس به عنوان بخش از ایران، غالباً اصطلاح آذربایجان را برای مناطق جنوب ارس استعمال کرده اند.

2- بررسی متون اصلی قراردادهای گلستان و ترکمنچای به ویژه فصل سوم این عهدنامه ها که صراحتاً به واگذاری قفقاز از سوی ایران به روسیه اشاره دارند؛ اگر بر مبنای دیدگاه جمهوری آذربایجان، قفقاز تا زمان انعقاد قرار دادهای مورد بحث متعلق به ایران نبود، روسیه قدرتمند آن زمان برای تصاحب این منطقه چه نیازی به تأیید ایران و انعقاد عهدنامه با ایران تضعیف شده آن زمان داشت؟ اگر این عهدنامه ها بر اساس دیدگاه جمهوری آذربایجان قرار داد تقسیم آذربایجان بین ایران و روس است چرا در آنها حتی یک بار عنوان آذربایجان ذکر نگردیده است؟ اگر این عهدنامه ها تقسیم سرزمین بین دو کشور است چرا سهم ایران مشخص نگردیده است؟ و...؟

3- بررسی اظهارات و اسناد برجای مانده از برخی شخصیتهای علمی و سیاسی متعلق به جمهوری آذربایجان که منطبق با دیدگاه امروز جمهوری آذربایجان نیست، به ویژه بررسی: الف) کتاب معروف گلستان ارم اثر میرزا عباسقلی قدسی (عباسقلی آقا باکی خانوف) که شاهد انعقاد قرار داد گلستان بوده است.

ب) کتاب معروف ریاض السیاحه تألیف میرزا زین العابدین شروانی که شیروان را یکی از بیست ولایت ایران معرفی نموده و شمال ارس را آذربایجان نامیده است ج) مقالات، اظهارات و به ویژه کتاب «تاریخ آتورپاتکان» پروفیسور اقرار علی یف، عضو آکادمی علوم آذربایجان که حقایق زیادی را مشخص نموده است.

د) بررسی آثار برجای مانده از محمد امین رسول زاده بنیانگذار جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سال 1918، به ویژه بررسی اظهار مکتوب او در مقدمه کتاب خویش که با عنوان جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن به فارسی ترجمه شده مبنی بر اینکه « بنا به جغرافیای رسمی قبل از جنگ جهانی، آذربایجان به تریز و حوالی آن که در ایران واقع است اطلاق می شد. آذربایجانی که نام آن پس از جنگ و انقلاب کبیر روسیه بر سر زبانهاست، عبارت از منطقه ای است واقع در شمال آذربایجان سلف الذکر که جنوب شرقی قفقاز را در بر می گیرد و مرکز آن باکو است.»؛ و نیز بررسی نامه او به تقی زاده که آمادگی خویش برای انجام همکاری که از ناخشودوی بیشتر ایرانیان؛ به دلیل نامگذاری جمهوری خود به نام آذربایجان، جلوگیری کند را اعلام نموده است و...

ه) بررسی برخی نشریات قدیمی جمهوری آذربایجان که سالها پس از تاسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان از آران به عنوان نام قدیمی این جمهوری یاد کرده اند که به عنوان نمونه می توان به شماره (39 و 40 آپریل و می 1927) ماهنامه معارف و مدنیت چاپ باکو اشاره نمود.

4- بررسی برخی اظهارات و آثار برجای مانده از دانشمندان غیرایرانی و غیر آذری مانند آکادمیسین بارتولد خاورشناس معرف روسی که در آثار و اظهارات خویش که اتفاقاً در جمهوری آذربایجان چاپ گردیده صراحتاً از انگیزه محمد امین رسول زاده در نامگذاری جمهوری خود به نام آذربایجان سخن گفته و در پاسخ به یک دانشجوی باکوئی که از او پرسیده است آیا ما می توانیم نام آذربایجان را برای سرزمین خود انتخاب کنیم، چنین جواب داده است که: « هرگاه لازم باشد برای همه مناطقی که خاک کنونی جمهوری آذربایجان را شامل می شود نامی برگزینیم بایستی نام اران بر آن نهاده شود، نام آذربایجان از این جهت برگزیده شد که گمان می رفت پس از تاسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان، آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند»

5- بررسی فرامین و اسناد فراوان موجود در خصوص نصب و عزل حاکمان محلی قفقاز و نحوه دریافت مالیات و... که پس از گذشت سالها هنوز در مراکز اسناد ایران و کشورهای منطقه قفقاز موجود است.

البته همانطور که قبلاً گفته شد موضوعات پنجگانه فوق، تنها از باب پیشنهاد اولیه مطرح شد و گرنه کمیته علمی مورد اشاره بایستی همه مسائل و دیدگاههای موجود در خصوص مسائل قفقاز به ویژه تاریخ مربوط به ایران و جمهوری آذربایجان را مورد بررسی همه جانبه علمی و به دور از هرگونه تعصب قرار دهد.

در پایان امیدوارم با رفع همه سوء تفاهات و موانع موجود در خصوص گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان شاهد تعمیق روز افزون روابط همه جانبه دو کشور بوده و نظاره گر قدرتمندی بیش از پیش ایران و جمهوری آذربایجان به عنوان دو کشور شیعی در سطح منطقه و دنیا باشیم.

و السلام.